**بررسی نقش موانع قانونی مدیریت سیاسی فضا بر ناکارآمدی مناطق آزاد ساحلی ایران**

**امین مرادی، دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد؛ مشهد، ایران.**

**هادی اعظمی[[1]](#footnote-1)، دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد؛ مشهد، ایران**

**محمد حسین پاپلی یزدی، استاد بازنشسته جغرافیا و برنامه­ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس تهران؛ تهران، ایران**

**سیدهادی زرقانی، دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد؛ مشهد، ایران**

**چکیده**

منطقه آزاد به منطقه­ای گفته می­شود که از قوانین و مقررات سرزمین اصلی کشورها خارج بوده و دارای قوانین سهل­گیرانه­ای بالأخص در زمینه تجارت و بازرگانی است. با این حال مبتنی بر اهداف ایجاد منطقه آزاد، قوانین متفاوتی در مناطق آزاد جهان حاکم است. در حقیقت مناطق آزاد به طور معمول با قوانین سهل­گیرانه بازرگانی با هدف جذب سرمایه گذاری خارجی و افزایش سطح روابط تجاری ایجاد می­شوند. در ایران تأسیس مناطق آزاد به عنوان یکی از عوامل توسعه منطقه­ای و ملی از برنامه اول توسعه مورد نظر قانون­گذاران قرار گرفت. مناطق آزاد کشور پس از گذشت چند دهه هنوز نتوانسته­اند در حد انتظار ظاهر شوند و به اهداف تعیین شده دست یابند. در این مسیر عوامل متعددی دخیل بوده که منتج از الگوی مدیریت سیاسی فضا(بسیط متمرکز) در کشور هستند. پژوهش حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است، در صدد شناخت مهمترین موانع قانونی مدیریت سیاسی فضا در کشور است که باعث ناکارآمدی مناطق آزاد شده­اند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می­دهد، مهمترین موانع قانونی مدیریت سیاسی فضا، مؤثر بر ناکارآمدی مناطق ساحلی عوامل شش گانه­ای به صورت زیر می باشد:1) تضاد در وظایف سازمان­های دولتی و مدیریت مناطق آزاد؛ 2) عدم تعریف جایگاه مناطق آزاد در برنامه های توسعه ملی؛3) قوانین و مقررات مرتبط با اشتغال؛ 4) قوانین بانکداری و بیمه در مناطق آزاد؛ 5) قوانین مربوط به سرمایه گذاری خارجی6؛) مسئله عوارض شهری؛

**کلید واژه ها:** مدیریت سیاسی فضا، مناطق آزاد، مناطق ساحلی، چالش­های قانونی، ایران.

**1) مقدمه**

بیشتر اقتصاددانان معتقدند که در جوامع امروزی تجارت، موتور توسعه است. آنان ادعا می­کنند که تجارت بین­المللی با توجه به انتقال دانش از کشورهای طرف تجاری، امکان بهره گیری از توانمندی­های اقتصادی بالقوه را بـه وجـود می آورد و علائم روشنی برای سرمایه گذاری در طرح های اقتصادی سودآور و قابل رقابت در عرصه جهانی پدیدار می سازد. همچنین تجارت بین الملل یا باز بودن اقتصاد، می تواند از طریق دسترسی بـه بـازارهای خارجی، بهره وری عوامل تولید و به تبع آن نرخ رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد. تجارت بشر اولیـه بـه صـورت تهاتر یعنی تعویض جنس با جنس صورت می گرفت و به این جهت احتیاجی به واسطه در امور بازرگانی وجـود نداشت. هرکس محصول کار خود را با محصول دیگران معاوضه می کرد و چون اجتماعات بشری بسیار کوچک و احتياجات و محصولات آنها نیز بسیار محدود می بود، این طريق كاملاً رفع احتياجات بازرگانی آنها را می کرد. وقتی اجتماعات بشر بزرگتر و محصول کار آنها زیادتر و متنوع تر شد، احتیاجات رو به فزونی نهاد و واسطه هـای تجاری پدید آمدند و مال التجاره را از شهری به شهر دیگر و از کشوری به کشور دیگر حمل کردند. ولی مدت­ها طول کشید تا بازرگانان در بین مردم یک شهر به داد و ستد بپردازند(The History and Future of International Trade,2016).

مناطق آزاد تجاری و ویژه اقتصادی در دنیا عمدتاً با هدف توسعه صادرات و جذب سرمایه های خارجی شکل گرفته اند. آمارها نشان می دهد که از سال 1944تا سال 1970 در ایالات متحده آمریکا 312 منطقه، در اروپا 12 منطقه، در آفریقا 12 منطقه، در خاورمیانه 39 منطقه، در خاور دور 12 منطقه و جمعاً 935 منطقه آزاد در جهان تأسیس گردیده است(احمدزاده و لطفی، 1396: 175). در ایران اندیشه تأسیس و راه اندازی مناطق آزاد به دهه 1330 باز می گردد. در آن سال ها با توجه به مشکلات ناشی از فقدان تسهیلات و تأسیسات مورد نیاز برای نگهداری کالاهای وارده به کشور، در بنادر جنوبی ضرورت ایجاد مناطق آزاد در کشور احساس می شد. در ماده یک قانون چگونگی اداره مناطق ازاد هدف از تشکیل این مناطق را تسریع در انجام امور زیربنایی، عمران و ابادانی و رشد و توسعه اقتصادی، انجام سرمایه گذاری داخلی و خارجی، افزایش درآمدهای عمومی، ایجاد اشتغال سالم و مولد، تنظیم بازار کار و کالا، حضور فعال در بازرهای جهانی و منطقه ای تولید و صادرات عنوان شده است(همان، 169).

قوانین شفاف و با ثبات یکی از اصلی ترین پیش نیازهای لازم برای موفقیت های اقتصادی در هر جامعه ای است. شفافیت و ثبات قوانین به عاملین اقتصادی کمک می کند تا تصمیمات اقتصادی خود را برای بازه های بلند مدت اتخاذ کنند. در مقابل عدم شفافیت و ثبات در قوانین باعث می شود تا ریسک سرمایه گذاری ها افزایش یافته و در نتیجه سرمایه گذاران تمایلی به سرمایه گذاری های اقتصادی نداشته باشند. در این میان لزوم شفافیت قوانین مناطق آزاد از اهمیت ویژه ای برخوردار است، زیرا یکی از اهداف اصلی ایجاد مناطق آزاد، جلب سرمایه های خارجی بوده است. قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری ـ صنعتی جمهوری اسلامی ایران و آیین نامه های اجرایی آن، مرجع اصلی قانونی مناطق آزاد است. این قانون در برنامه های چهارم و پنجم توسعه نیز موادی جداگانه در خصوص مناطق آزاد به تصویب رسید. در حال حاضر وجود نقاط ابهام آمیز در این قوانین و رخی خلأهای قانونی، باعث شده تا مناطق آزاد ایران نتوانند در برخی از اهداف اولیه پیش بینی شده دست یابقرند(مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، 1390: 13). پژوهش حاضر در صدد بررسی این مسئله است که موانع قانونی موجود در مدیریت سیاسی فضای کشور چگونه کارایی مناطق آزاد کشور را تحت تأثیر قرار داده و مانع رسیدن این مناطق به اهداف اولیه خود شده اند.

**2)روش تحقیق**

با توجه به ماهيت پژوهش حاضر، روش تحقيق از نوع توصيفي ـ تحليلي و جمع آوري داده­ها به شيوة کتابخانه­اي و از بين منابع چاپي و اينترنتي است. تحليل اطلاعات نيز به روش کيفي و استنتاج انجام گرفته است.

**3) مبانی نظری**

**1ـ3مدیریت سیاسی فضا**

یکی از مهمترین وظایف یک حکومت، مدیریت سیاسی فضا و سرزمین کشور است. مدیریت سیاسی در معنای عام ناظر بر تدبیر، تعیین استراتژی و خط و مشی کلان در حوزه­های مختلف اقتصادی، فرهنگی، ارتباطی، نظامی و انتظامی، سیاسی، امنیتی، فرهنگی و اجتماعی یک کشور و یک جامعه است که با پیش بینی ساختارها و نهادهای لازم، جنبه اجرایی و عملیاتی به خود می گیرد(کریمی، 1387: 23). مدیریت و اداره سرزمینی یک برنامه تدریجی و مداوم از سیاست­ها، استراتژی­ها و ابزارها و روش­ها جهت اداره و تنظیم روابط بین واحدهای سرزمینی است(2007:5,Ferrazzi). مدیریت سیاسی فضا عبارت است از مجموعه اقدامات، الگوها، روش ها و فرآیندهایی که یک حکومت از طریق تقسیم سرزمین، به منظور اداره، کنترل، اعمال حاکمیت و ارائه خدمات در فضای سرزمینی خود و بر روی مردمی که در آن سرزمین زندگی می­کنند، اعمال و اجرا می­کند.

مکان­ها و نواحی جغرافیایی به منظور اداره بهتر امور و تنظیم روابط افقی و عمودی با سایر نواحی و همچنین استقرار نهادهای مختلف به مدیریت در بعد محلی نیازمندند. فضای جغرافیایی از یک سو عرصه فرمانروایی و اعمال اراده سیاسی حکومت و تجلی گاه آرمان­ها و ارزش های ایدئولوژیک آن می­باشد و از سویی دیگر حکومت مسئولیت اداره، تنظیم و تنسیق امور آن را بر عهده دارد و متناسب با مقتضیات و شرایط آن و نیز دینامیسم فضایی مربوطه سیاست گذاری و نظام تصمیم گیری خود را شکل می­دهد. تحقق فرآیندهای مزبور یعنی اعمال اراده سیاسی بر فضا و مردمان آن، مدیریت امور فضا، تأثیرپذیری سیاست­ها از مقتضیات و دینامیسم فضا با الگوی سلسله مراتبی مدیریت سیاسی فضا ارتباط نزدیکی دارد(حافظ نیا و همکاران، ۱۱۹:۱۳۸۹).

در واقع حکومت جهت بقاء خود نیازمند نوعی مدیریت دولتی است تا از طریق آن اهدافش را محقق سازد، که این میسر نیست مگر اینکه شیوه و سبک مدیریت دولتی، متناسب با چارچوب و ساختار حکومت باشد(مقیمی، 1386: 9). سطوح مدیریت عمومی یا دولتی در کشورها همانند سازمان­ها در سه سطح قابل طبقه­بندی است:1) سطح عالی(حکومت)،2) سطح میانی(حکومت ایالتی یا استانی)،3ـ سطح عملیاتی(حکومت محلی). این سطوح مدیریت در همه کشورها و نظام­های سیاسی بدون توجه به ساختار و حیطه اختیارات آنها به صورت مشترک وجود دارد اما ماهیت و حوزه اختیارات و سطوح و نوع روابط این سطوح در کشورهای مختلف و با توجه به الگوهای مدیریت سیاسی و نوع نظام سیاسی متفاوت است(همان، 18).

**2ـ3مناطق آزاد**

تعاریف گوناگونی از مناطق آزاد ارائه شده است، اما در عین حال می­توان وجه اشتراک واحدی میان این تعاريف مشاهده کرد؛ این وجه اشتراک دلالت بر آن دارد که در این مناطق محدودیت­های گمرکی و مالیاتی، موانع قانونی به منظور تسهیل سرمایه­گذاری داخلی و خارجی، نسبت به سایر مناطق کشور کمتر است با اساسأ وجود ندارد. بنا به تعاریف بین­المللی، منطقه آزاد محدوده حراست شده بندری و غیربندری است که از شمول برخی از مقررات جاری کشور متبوع خارج بوده و با بهره گیری از مزایایی نظیر معافیت­های مالیاتی، بخشودگی سود و تعرفه گمرکی، همچنین سهولت و تسریع در فرآیندهای صادرات و واردات با جذب سرمایه گذاری خارجی و انتقال فناوری به توسعه سرزمین اصلی کمک می­نماید. سازمان توسعه صنعتی سازمان ملل متحد (UNIDO) منطقه آزاد تجاری را محرکی در جهت تشویق صادرات صنعتی می­داند. همچنین در برداشت جدید از مناطق آزاد که به منطقه آزاد پردازش صادرات معروف است به ناحیه صنعتی ویژه­ای در خارج از مرز گمرکی، که تولیداتش جهت گیری صادراتی دارند، گفته می­شود (منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، ۱۳۹۴).

در تعریفی دیگر از منطقه آزاد به عنوان محدوده معینی از قلمرو کشور یاد می شود که خارج از محدوده قانونی، اداری و فیزیکی تأسیسات گمرکی و معمولاً در محدوده یک بندر قرار دارد و در آن تجارت آزاد با سایر نقاط مجاز است، این مناطق جهت­گیری صادراتی دارند و ورود و خروج کالا و سرمایه و جابه جایی نیروی کار به سهولت انجام می­شود (مرکز پژوهش های مجلس، ۱۳۹۵).

از جمله مزایای این مناطق بارگیری سریع کشتی و هواپیما از طریق کاهش و حذف موانعی همچون تعرفه­های تجاری بالا مقررات پیچیده و بازرسی­های گمرکی است(Sullivan2003). یکی از علل بروز تعاریف مختلف مناطق آزاد اقتصادی در واقع روند توسعه آنها در طول تاریخ می­باشد. ساختار ابتدایی اینگونه مناطق در بنادر آزادی شکل گرفت که تنها خدمات آنها ارائه سرویس­های بازرگانی و انبارداری در محدوده تاسیسات بندری بود. با گذشت زمان برخی از این بنادر آزاد به مناطق بدون تعرفه گمرکی ارتقاء یافته و تاسیسات تولیدی سبک در آنها جای داده شد. گام بعدی در روند توسعه مناطق آزاد اقتصادی، گسترش نواحی فرآیندهای صادراتی بود که منجر به تشویق توسعه تولید در منطقه با رویکرد صادرات محصولات شد و در نهایت با ارائه سیاست­ها و مقررات متفاوت از قوانین اقتصاد ملی گام نهایی خود را به سوی فراهم نمودن فضایی مناسب برای سرمایه­گذاران برداشتند(همان).

**3ـ3 تاریخچه تأسیس مناطق آزاد**

مناطق آزاد جهان در چند مرحله تأسیس شده اند: اول: مرحله رشد آرام تعداد مناطق آزاد در جهان تا اوایل سال ۱۹۷۰ و بیشتر در اروپا و آمریکای لاتین، در این مرحله ضرورت­های رشد نظام تجاری و حذف مقررات دست و پاگیر گمرکی انگیزه اصلی ایجاد این مناطق بود. شماری از مناطق آزاد این دورهاندکی پس از جنگ جهانی اول یا دوم ایجاد شده­اند و تعدادی نیز مانند بندر هامبورگ، متعلق به قرن گذشته بوده­اند. دوم: مرحله رشد متوسط که تا اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ را شامل می­شود. در این دوره کشورهای جنوب شرقی آسیا و تا حدی آفریقا اقدام به تأسیس مناطق آزاد کردند. نخستین گسترش نظام تجارت جهانی موجب ایجاد و گسترش مناطق آزاد با سرعتی نسبتاً بیشتر در این دوره بود. سوم: مرحله رشد سریع، در دوره گسترش و تفکر و رهنمودهای بانک جهانی و صندوق بین­المللی پول و موج وسیع تفکر اقتصادی «نئولیبرالی» که به دنبال آن در کشورهای جهان به حرکت افتاد. این مرحله که بیشتر به دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ تعلق دارد از دو زیر مرحله پیش از فروپاشی و پس از فروپاشی شوروی تشکیل یافته است(Dobronogov,2012). در مرحله پس از فروپاشی این فرایند شتاب گرفته و مناطق آزاد در روسیه و سایر جمهوری­های شوروی سابق نیز رو به ازدیاد می­گذارند. چهارم: مرحله جابجائی و توقف نسبی که از اوایل دهه ۹۰ تا به امروز ادامه دارد. در این مرحله شماری از کشورها مانند کره­جنوبی و برزیل یا از مناطق آزاد ناامید می شوند و به تدریج از ایجاد آنها دست می­کشند و یا به این نتیجه می­رسند که این مناطق به حد اشباع رسیده­اند. در این حال، نمی توان گفت که سرعت مرحله قبلی به طور جدی کاهش می­یابد زیرا هنوز شمار زیادی از کشورها بدون بررسی واقعیت تاریخی، نتایج، موقعیت ها و امکانات واقعی امروز و مسائل درونی کشور خود اقدام به احداث مناطق آزاد می­کنند(همان).

**4ـ3 تقسیم بندی مناطق آزاد**

مناطق آزاد را بر مبنای تقسیم بندی که توسط انجمن پردازش اقتصادی جهان صورت گرفته، می­توان در چهار گروه تقسیم بندی نمود:

1) نواحی آزاد بزرگ: در این نواحی جمعیت ساکن زیادی زندگی می­کنند (مانند مناطق آزاد چین).

2) نواحی آزاد کوچک: مناطق آزادی که در یک بخش محصور شده و معمولا کمتر از ۸۱۱ هکتار است. این نواحی، جمعیت ساکن دائم نداشته و ساکنین در این نواحی عمدتاً نیروی کار شاغل در آن مناطق آزاد هستند.

3) مناطق آزادی که برای بخش خاصی ایجاد می­شوند مانند نواحی برای صنایع خاص نظیر جواهرآلات، نفت و گاز، الکترونیک، نساجی و غیره(سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، ۱۳۹۴).

4) نواحی برای انجام عملیاتی خاص: این نوع مناطق آزاد برای انجام عملیات معین یا بخشی از فرآیند تولید مثلاً بخشی از پروسه تولیدی که در سرزمین اصلی صورت می­گیرد، ایجاد می شود. در این صورت شرکت­ها در نواحی مختلف کشور مستقر هستند و تنها بخشی از پروسه تولید در این نواحی صورت می­گیرد. نمونه این نوع مناطق در هند و مکزیک وجود داشته، همچنین پارک­های تحقیقاتی از دیگر نمونه­های این نوع مناطق آزاد است.

بیشتر مناطق آزاد جهان را مناطق نوع دوم یعنی نواحی کوچک تشکیل می­دهند. هند و چین دو کشوری هستند که در آنجا هر چهار نوع منطقه آزاد وجود دارد. مطالب ذکر شده نشان می­دهد که امروزه مناطق آزاد مفهوم و معنای بسیار وسیع تر از قبل از جنگ جهانی دوم و حتی یک دهه پیش دارند. در حقیقت، در بنادر آزاد در گذشته تنها و یا به طور عمده ورود و صدور کالا با هدف گسترش بازرگانی خارجی، بدون حقوق و تعرفه گمرکی مورد توجه بود؛ حال آنکه در تعبیر امروزی، علاوه بر تجارت آزاد به سرمایه گذاری و تولید نیز توجه می شود(همان).

**5ـ3 اهداف مناطق آزاد**

اهداف اصلی مناطق آزاد شامل مواردی همچون تأمین کمبودهای توسعة اقتصاد ملی، بهره گیری از مزایا، پتانسیل­ها و به طور کلی برتری­های نسبی منطقه، برقرای ارتباط سیستماتیک بین اقتصاد ملی و جهانی، کسب روزافزون بر مهارت­های نیروی کار و مدیریت، تولید و اشتغال، کسب درآمدهای ارزی، جذب سرمایه­های خارجی و فناوری پیشرفته می باشد(همان). البته برخی از کشورها هدف­های دیگری مانند محرومیت زدایی و توجه به مناطق محروم را نیز دنبال می­کنند(خوش چهره، 1377).

لیکن دیدگاه­های گوناگونی در زمینة اهداف تأسیس مناطق آزاد در کشورهای مختلف وجود دارد که به چند مورد از آنها اشاره می­شود.

در کشور ترکیه اهداف زیر برای مناطق آزاد تعریف شده است: 1ـ افزایش صادرات صنعتی2) شتاب بخشیدن به ورود سرمایه خارجی به کشور3) انتقال تکنولوژی به کشور4) جلب سرمایه­ها در بخش مولد 5) افزایش میزان بهره­وری از امکانات، مبادلات و اعتبارات بین المللی.

همچنین در کشور هند اهداف زیر را برای مناطق آزاد تعیین شده است:1)افزایش درآمدهای ارزی2) ازدیاد سطح اشتغال3) بالا بردن تخصص و کارایی نیروی انسانی4)دستیابی به فناوری پیشرفته 5) تبدیل برخی از بخش­های عقب ماندة کشور به قطب های صنعتی(علمی1371).

به طور کلی اهداف مناطق آزاد را می­توان در موارد زیر خلاصه کرد:

1) تأمین کمبودهای توسعه اقتصاد ملی؛

2) بهره گیری از مزایا، پتانسیل ها و به طور کلی برتری­های نسبی اقتصاد ملی؛

3) برقراری ارتباط سیستماتیک بین اقتصاد ملی و جهانی؛

4) کسب و افزودن بر مهارت ها و نیروی کار و مدیریت؛

5) تولید و اشتغال؛

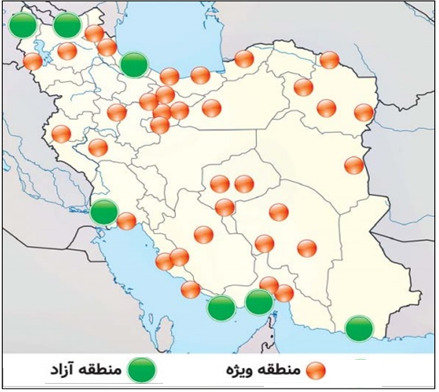
6) تولید و تحصیل درآمدهای ارزی؛

7) جذب سرمایه­های خارجی و فناوری پیشرفته(عاصمی پور،1381).

**4) یافته های تحقیق**

**1ـ4 مناطق آزاد ساحلی ایران**

مناطق آزاد ایران در مناطق ساحلی خلیج فارس و دریای خزر شامل 5 منطقه آزاد، کیش، قشم، چابهار، اروند و انزلی هستند که از این پنج منطقه آزاد ساحلی، سه منطقه در سواحل خلیج فارس، یک منطقه در ساحل دریای عمان و یک منطقه در ساحل دریای خزر قرار دارند. در ادامه به ذکر خلاصه ای از ویژگی های این مناطق پرداخته شده است.

****

شکل(1) نقشه موقعیت جغرافیایی مناطق آزاد ساحلی ایران

https://www.iranjib.ir/shownews/47707/

**1) منطقه آزاد کیش:** جزیره‌ کیش از دیرباز به عنوان یک مرکز تجاری مهم در خلیج فارس شناخته می‌شود. منطقه‌ آزاد کیش در سال 1363 تأسیس شد. وسعت این منطقه‌ 9150 هکتار بوده و در زمینه‌های ترانزیت کالا، انتقال تکنولوژی و دانش، تأمین مواد اولیه و تجهیزات فعالیت چشمگیری داشته است که شرایط [زندگی در کیش](https://lastsecond.ir/blog/10174-live-in-kish) را هم متفاوت می‌کند. مسئولیت‌های سازمان منطقه آزاد کیش توسط شورای عالی مناطق آزاد تجاری تعیین می‌شود. هیئت مدیره‌ این سازمان یک گروه سه تا پنج نفره است. اهداف اصلی سازمان منطقه آزاد کیش به طول کلی در توسعه‌ گردشگری و اقتصاد خلاصه می‌شود(مرکز پژوهش­های مجلس شورای اسلامی، 1395).

**2) مطقه آزاد قشم:** منطقه آزاد در جزیره‌ قشم در سال 1369 تأسیس شد و وسعت آن 30 هزار هکتار است. کرانه‌های عمیق این جزیره باعث فراهم شدن موقعیتی مناسب برای استقرار کشتی‌های بزرگ شده است. ترانزیت، ذخیره‌سازی و حمل و نقل کالاها به کشتی‌ها از اموری است که همواره در منطقه‌ آزاد قشم جریان دارد. جزیره‌ قشم در یکی از مسیرهای اصلی حمل و نقل آسیا به اروپا قرار گرفته است. علاوه بر آن به یک بازار 200 میلیونی در داخل و خارج از کشور دسترسی دارد.

**3) چابهار:** چابهار نیز از اولین مناطق ایران است که علاوه بر کیش و قشم، در سال 1369 به یک منطقه آزاد تبدیل شد. از آن‌جایی که چابهار در موقعیتی قرار گرفته که شامل مرزهای آبی و خاکی نیست، انتخاب آن به عنوان یک منطقه‌ آزاد با انتقاد کارشناسان مواجه شد. اما در سال 1398 وسعت منطقه‌ آزاد چابهار بیشتر شد تا مشکل موقعیت نامناسب آن رفع شود.

**4) اروند:** منطقه‌ آزاد اروند در سال 1382 تأسیس شد. اروند به دلیل هم مرز بودن با کشورهای عراق و کویت از اهمیت بالایی برخوردار است. حمل و نقل در این منطقه، از سه طریق جاده، راه آهن و مسیر‌های هوایی انجام می‌شود. به عقیده‌ کارشناسان اقتصادی، اقتصاد منطقه‌ آزاد اروند به دلیل توسعه نیافتن تولید و مشکلات مربوط به گمرک، تا حداکثر پتانسیل­ش پیشرفت نداشته است.

**5) انزلی:** منطقه آزاد انزلی در سال 1384 تأسیس شد و شامل 30 کیلومتر خط ساحلی می‌شود که بیش از 10 پست اسکله با طول 1500 متر دارد و از تمام امکانات زیربنایی برای سرمایه‌گذاری افراد خارجی و داخلی برخوردار است. محدوده‌ منطقه آزاد انزلی در سال 1393 افزایش یافت. موقعیت استراتژیک انزلی ارتباط آسان این منطقه را با کشور‌های روسیه، ترکمنستان، باکو و آذربایجان فراهم کرده است(همان).

**2ـ4 موانع قانونی مدیریت سیاسی فضا موثر بر ناکارآمدی مناطق آزاد ساحلی**

**1ـ2ـ4 تضاد در وظایف سازمان های دولتی و مدیریت مناطق آزاد**

به موجب ماده (17) قانون مقررات صادرات، واردات و امور گمرکی مناطق آزاد تجاری ـ صنعتی جمهوری اسلامی ایران، «کنترل و نظارت بر ورود و صدور کالا از مناطق آزاد به سایر نقاط کشور توسط گمرک جمهوری اسلامی ایران صورت می­گیرد. سرپرست گمرک مستقر در منطقه با معرفی سازمان و حکم رئیس کل گمرک منصوب می شود». به موجب تبصره این ماده نیز، «کنترل و نظارت بر ورود و صدرو کالا از مناطق آزاد به سایر کشورها توسط گمرک سازمان بر مبنای این مقررات و دستورالعمل­های اجرایی مربوط انجام می پذیرد». بر اساس این ماده، گمرک ایران باید صرفاً در مبادی ورودی کالا به سرزمین اصلی و بالعکس قرار گیرد، حال آنکه گمرک مذکور هم اکنون ضمن استقرار در مبادی خروجی کالا از خارج از کشور به مناطق آزاد نیز حضور می یابد که با قوانین و مقررات عمومی و خصوصی مناطق آزاد مطابقت ندارد. بر طبق ماده(1) مقررات صادرات، واردات و امور گمرکی مناطق آزاد،«گمرک سازمان واحدی از زیرمجموعه سازمان منطقه می­باشد که مجری مقررات صادرات و واردات در هر منطقه است». با توجه به ماده (17) مقررات صادرات و واردات و لزوم حفظ مدیریت یکپارچه در مناطق آزاد باید شرایطی اتخاذ گردد تا مطابق قانون، صدور و ورود کالا از مناطق آزاد تنها زیر نظر گمرک سازمان صورت پذیرد. از دیگر چالش­ها و موانع که در ارتباط با گمرک در مناطق آزاد مطرح است، ابهام در وضعیت اموال تملیکی و کالاهای متروکه در مناطق آزاد است که بر ضرورت تصویب قانون در این زمینه تأکید می­کند(مصوبه شماره 33431، مورخه 19/2/1373، هیئت وزیران). با توجه به مباحث ذکر شده می­توان گفت وجود سازمان های دولتی در منطقه آزاد با عث ایجاد اختلاف با منطقه آزاد شده، که این اختلاف ناشی از تأثیر مدیریت کلانی است که در کشور وجود دارد. زمانی که یک منطقه به عنوان منطقه آزاد تعریف می شود باید سیاست های تدوینی در این منطقه در راستای اقتصاد بین­المللی باشد تا منطقه آزاد بتواند روابط تجاری را برای خود ایجاد کند. بنابراین دخالت دولت مبتنی بر مدیریت سیاسی فضای متمرکز یکی از مهمترین موانع موثر در عدم کارایی مناطق آزاد است.

**2ـ2ـ4عدم تعریف جایگاه مناطق آزاد در برنامه های توسعه ملی**

عدم تعریف جایگاه مناطق آزاد در برنامه­های بلند مدت باعث شده تا سایر نهادهایی که باید طرح­های تفصیلی و بلند مدت خود را بر اساس طرح های جامع مناطق آزاد تنظیم و مغایرت­های احتمالی را مطابق با طرح­های جامع مناطق اصلاح کنند، از این کار تمرّد می­کنند. به طور کلی نگاه برنامه های توسعه کشور به موضوع مناطق آزاد به خصوص برنامه­های چهارم و پنجم به صورت تصویب قوانین موردی و در این خصوص نگاه جامع و برنامه­ای وجود نداشته است. در برنامه­های چهارم و پنجم توسعه تنها یک ماده به مناطق آزاد اختصاص یافته که به تبیین و تأکید برخی قوانین موجود در قانون چگونگی اداره مناطق آزاد پرداخته و یا مقررات موردی را در این زمینه مقرر می­کنند. در هیچ کدام از برنامه های چهارم و پنجم مشخص نشده که برای مثال پس از پایان برنامه، مناطق قرار است به چه نقطه­ای برسند، چه میزان سرمایه خارجی جذب کنند و چه تعداد شرکت در آنها ثبت شود. در صورتی که مشخص نمودن این موارد در برنامه­های توسعه می­تواند به مشخص نمودن سند راهبردی مناطق آزاد کمک کند(مرکز پژوهش­های مجلس شورای اسلامی، 1390). با توجه به مباحث مطرح شده یکی از نواقص موجود در استراتژی­های کشور عدم وجود فعالیت و درونمای رسیدن مناطق آزاد به اهداف تعیین شده است. می­توان گفت مناطق آزاد در ایران در حد حرف و تعیین یک محدوده خاص به عنوان یک منطقه آزاد بوده اند. به گونه­ای که در برنامه­های کلان توسعه ملی توجه چندانی به این مناطق در ارتباط با چشم انداز و میزان موفقیت آنها صورت نگرفته است، بنابراین چنین نقصی یکی از موانع مهم بر سر راه کارایی مناطق آزاد است.

**3ـ2ـ4 قوانین و مقررات مرتبط با اشتغال**

به منظور تسهیل و گسترش فعالیت­های اقتصادی در مناطق آزاد، مقررات مربوط به اشتغال نیروی انسانی و بیمه تأمین اجتماعی در مناطق آزاد، متفاوت از سرزمین اصلی تدوین شده است. به موجب ماده(12) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد، تصویب این مقررات به هیئت وزیران محول شده و به دنبال آن آیین نامه اجرایی«مقررات مربوط به اشتغال نیروی انسانی و بیمه تأمین اجتماعی در مناطق آزاد» به تصویب رسید. تلاش شده تا در آیین نامه اجرایی شرایط به گونه­ای ایجاد شود تا واحدهای فعال در مناطق آزاد بتوانند به جذب نیروی کار متخصص و کارآمد، فارغ از محدودیت قانون کار، بپردازند با این حال ایراداتی نیز متوجه این مقررات است که سازمان­های مناطق آزاد و واحدهای فعال در آن با مشکل مواجه ساخته است. به موجب ماده(5) مقررات اشتغال نیروی انسانی، بیمه و تأمین اجتماعی در مناطق آزاد تجاری ـ صنعتی جمهوری اسلامی ایران، وزارت کار و امور اجتماعی با هماهنگی سازمان هر منطقه، واحد کار و خدمات اشتغال را در هر یک از مناطق آزاد ایجاد خواهد کرد که این واحد نسبت به تنظیم امور بازار کار، نظارت بر مسائل حفاظت و بهداشت کار و سایر امور اقدام خواهد کرد. به موجب تبصره(1) این ماده،«سرپرست واحد کار و خدمات اشتغال با پیشنهاد سازمان هر منطقه و حکم وزیر کار منصوب می شود»(مرکز پژوهش­های مجلس شورای اسلامی، 1390). بنابراین در مجموعه مقررات اشتغال نیروی انسانی، بیمه و تأمین اجتماعی در مناطق آزاد که به منظور تسهیل روابط کار در مناطق آزاد تدوین شده، ابهامات و نواقصی در زمینه بیمه، ایمنی و حوادث ناشی از کار، مشاغل سخت و زیان آور و... موجب برداشت­های سلیقه­ای از قانون شده است.

با توجه به مباحث ذکر شده مناطق ساحلی ایران بالأخص سواحل خلیج فارس از جمله مناطق با تراکم پایین جمعیت هستند. اندیشه تأسیس مناطق آزاد یک اندیشه کاملاً مهم در باب جذب جمعیت به مناطق ساحلی است. در این میان قوانین مرتبط با اشتغال و متفاوت با سرزمین اصلی می­تواند نقش مهمی را در جذب جمعیت به این مناطق ساحلی داشته باشد. ولی در عمل می­توان گفت که قوانین منطقه آزاد هیچ تفاوتی با سرزمین اصلی ندارد و در نتیجه مشوقی برای مهاجرت جمعیت به این مناطق که شرایط بهتری نسبت به سرزمین اصلی داشته باشد وجود ندارد. این مسئله نیز یکی دیگر از موانع موثر در عدم کارایی مناطق آزاد به حساب می­آید.

**4ـ2ـ4 قوانین بانکداری و بیمه در مناطق آزاد**

به طور معمول قوانین مربوط به بانکداری در مناطق آزاد کشورهای مختلف جهان متفاوت با سرزمین اصلی است. این قوانین به گونه­ای تنظیم می­شوند تا امکان فعالیت بانک­های خارجی در مناطق آزاد را سهل کرده و در پی آن امکان سرمایه گذاری خارجی در مناطق آزاد گسترش دهد. با این حال سیاست­های مالی مناطق آزاد تاکنون نتوانسته بانک­ها و مؤسسات مالی خارجی را به فعالیت در مناطق آزاد تشویق کند. ماده(18) قانون اداره مناطق آزاد تأسیس بانک و مرسسات مالی و اعتباری در مناطق آزاد را منحصراً بر اساس مفاد آن قانون و آیین نامه اجرایی آن که به پیشنهاد بانک مرکزی ارائه می شود دانسته است. در تبصره(4) این ماده اشاره شده است که «معاملات واحدهای بانکی در مناطق آزاد با ریال ایران مشمول مقررات بانکداری اسلامی خواهد بود». برخی از کارشناسان وجود این تبصره را یکی از موانع پیش روی فعالیت های بانک­های خارجی در مناطق آزاد می­دانند، اما به نظر می رسد که عدم فعالیت بانک­های خارجی در مناطق آزاد به عوامل دیگری نظیر بروکراسی پیچیده برای اخذ مجوز تأسیس و ریسک بالای سرمایه گذاری به علت عدم اطمینان کافی برای حفظ حقوق مالکیت باشد، زیرا قانونگذار در تبصره«ب» ذیل ماده(13) آیین نامه اجرایی عملیات پولی و بانکی در مناطق آزاد تجاری جمهوری اسلامی ایران به نوعی ابهام موجود در تبصره«4» ماده(18) قانون مناطق آزاد را مرتفع کرده و عنوان داشته که« معاملات واحدهای بانکی در مناطق به ریال مشمول بانکداری اسلامی خواهد بود. این واحدها در معاملات خود به ارز مجاز به رعایت رویه های بانکی بین­المللی هستند». بنابراین حل مشکل بانکداری در مناطق آزاد نیازمند حل موانعی است که به طور کلی برای سرمایه گذاران خارجی در مناطق آزاد وجود دارد(دفتر مطالعات اقتصادی مجلس شورای اسلامی، 1390: 19).

در حال حاضر برخی از موانع تأسیس بانک های خارجی در ایران را می­توان عوامل زیر دانست:

1) عدم امکان واگذاری تملک زمین به خارجی­ها؛

2) عدم اطمینان از حفظ حقوق مالکیت؛

3) اجازه صدور مجوز برای تأسیس و یا افتتاح شعب که در اختیار بانک مرکزی است.

در حال حاضر به موجب ماده(4) آیین نامه اجرایی عملیات پولی و بانکی در مناطق آزاد تجاری ـ صنعتی جمهوری اسلامی ایران،« تأسیس بانک و مؤسسه و افتتاح شعب بانک ها و مؤسسات اعم از ایرانی یا خارجی در مناطق موکول به پیشنهاد سازمان و صدور مجوز توسط بانک مرکزی است». همچنین به موجب تبصره(1) این ماده،«اساسنامه بانک ها و مؤسسات و هرگونه تغییرات بعدی در اساسنامه آنها، باید پس از پیشنهاد سازمان به تأیید شورای پول و اعتبار برسد»(همان).

همانگونه که در مطالب ذکر شده گفته شد، قوانین بانکداری در مناطق آزاد ایران همانند سرزمین اصلی هستند. در صورتی که با توجه به ماهیت اقتصادی مناطق آزاد که باید در راستای روندهای اقتصاد جهانی باشند عمل شود. بنابراین مدیریت سیاسی متمرکز در کشور با سازوکارهای قانونی و همچنین شرعی از جمله بانکداری اسلامی که در بطن خود دارد در تضاد با اقتصاد آزاد بین الملل است و می­توان گفت این مسئله یکی از مهمترین موانع بر سر راه کارآمدی مناطق آزاد است.

**5ـ2ـ4 قوانین مربوط به سرمایه گذاری خارجی**

وجود ابهاماتی درخصوص سرمایه گذاری خارجی یکی دیگر از مشکلات مربوط به موانع قانونی مناطق آزاد است. مناطق آزاد ایران تاکنون نتوانسته اند با ایجاد اطمینان در فضای سرمایه گذاری زمینه مساعدی را برای سرمایه گذاران خارجی فراهم کنند. از مواردی که موجب عدم جلب سرمایه گذار خارجی می­شود، ابهام در چگونگی واگذاری زمین به خارجی هاست. علیرغم تصویب قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری صنعتی و آیین نامه اجرایی نحوه واگذاری زمین و منابع ملی در مناطق آزاد در دهه هفتاد، تا کنون هیچگونه قانون با آیین نامه­ای که نحوه واگذاری اراضی به سرمایه گذاران خارجی در مناطق آزاد را به طور مشروح و صریح مشخص نماید، تدوین و تصویب نگردیده است. این در حالی است که جذب سرمایه گذاران خارجی مستلزم اطمینان خاطر سرمایه گذار از انباشت و بازگشت سرمایه و لازمه آن آگاهی سرمایه گذار از نحوه و مدت زمان تسلط بر اراضی تحت اختیار است. براساس اظهار نظر سازمان منطقه آزاد قشم علیرغم تصویب قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی در سال ۱۳۸۱، به دلیل عدم پیش بینی مشخص و ارائه راهکار قابل اعتنایی در قانون مذکور جهت واگذاری زمین به سرمایه گذاران خارجی، هیچ نتیجه قابل توجهی، لااقل در منطقه آزاد قشم، عايد سرمایه گذار نگردیده و سازمان منطقه آزاد قشم همچنان شاهد وصول درخواست های سرمایه گذاران خارجی جهت انتقال قطعی زمین می باشد که از جمله آنها درخواست شرکت تأسیسات نفتی NPCC بود که در نهایت به سرمایه گذار ایرانی واگذار گردید(مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی،1390).

مهمترین هدف فعالیت مناطق آزاد مقوله جذب سرمایه­گذاری خارجی است. در مناطق آزاد قوانین مربوط به جذب سرمایه­گذاری خارجی مشابه قوانین داخلی ایران است. بنابراین با توجه به موانع قانونی الگوی مدیریت سیاسی متمرکز حاکم بر کشور و مناطق آزاد نباید انتظار جذب سرمایه گذاری خارجی را داشت که این موانع قاونونی کارایی مناطق آزاد را به شدت تحت تأثیر قرار داده­اند.

**6ـ2ـ4 مسئله عوارض شهری**

تناقض بین مسئولیت های سازمان های مناطق آزاد و شوراهای شهر و روستا به یکی از معضلات جدی مناطق آزاد تبدیل شده است که اهم این معضلات به موضوع اخذ عوارض شهری مربوط می­شود. در این خصوص، از طرفی اهم فعالیت اجرایی شوراها در تعیین عوارض، صدور مجوز بنا و مواردی از این قبیل متبلور می شود و از طرف دیگر به موجب ماده(10) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری ـ صنعتی وصول هرگونه عوارض در قبال انجام خدمات شهری و غیره به سازمان مناطق آزاد محول شده است. این ماده مقرر می­دارد« سازمان هر منطقه می­تواند با تصویب هیئت وزیران در مقابل انجام خدمات شهری و فراهم نمودن تسهیلات مواصلاتی، بهداشت، امور فرهنگی، آموزشی و رفاهی از اشخاص حقیقی و حقوقی ساکن منطقه عوارض اخذ نماید». همچنین بر اساس ماده (11) این قانون« صدور مجوز برای انجام هر نوع فعالیت اقتصادی مجاز، ایجاد بنا و تأسیسات و تصدی به انواع مشاغل توسط اشخاص حقیقی و حقوقی، در مورد مشاغلی که متصدی مستقیم ندارند در محدوده منطقه فقط در اختار سازمان می باشد»(دفتر مطالعات اقتصادی مجلس شورای اسلامی، 1390: 18).

برای رفع این مشکل در تبصره(2) ماده (112) قانون برنامه پنجم توسعه اختیارات فرماندار در مورد مصوبات شوراهای اسلامی شهر و روستا در مناطق آزاد به مدیر سازمان منطقه آزاد واگذار شده است. با این حل بنابر اعلام سازمان های مناطق آزاد تناقض بین مسئولیت­های سازمان مناطق آزاد و شوراهای اسلامی شهر و روستا همچنان به قوت خود باقی است. به عنوان مثال موازی بودن وظایف شهرداری جلفا با مدیریت خدمات شهری سازمان منطقه آزاد ارس، باعث عدم دستیابی سریع به برخی از اهداف و رکود طرح­های عمرانی در حوزه خدمات شهری شده است. با وجود آنکه در این زمینه ماده(112) قانون برنامه پنجم موضوع را به روشنی مشخص کرده، اما شهرداری جلفا از این قانون تمکین نمی کند(همان).

با توجه به مباحث ذکر شده یکی از تضادهای موجود در مناطق آزاد حدود و اختیارات دولت محلی که شهرداری ها هستند می باشد. در مناطق آزاد حدود و مرز وظایف شهرداری مشخص نبوده و این مسئله باعث تضاد و تداخل در وظایف شهرداری و مدیریت مناطق آزاد شده است که بیشتر در ارتباط با عوارض شهری می­باشد. بنابراین مسئله عوارض شهری در این مناطق یکی از موانع کارایی مناطق آزاد به حساب می­آید.

**5) نتیجه گیری**

طی چند دهه اخیر یکی از سیاست هایی که با اهدافی نظیر اتصال به اقتصاد جهانی، توسعه منطقه­ای، جذب سرمایه­گذاری خارجی، افزایش صادرات و مواردی از این دست مورد توجه سیاستگذاران و برنامه ریزان کشور قرار گرفته، ایجاد مناطق آزاد بوده است. با توجه به تمام مزیت­ها و پتانسیل­هایی که برای مناطق مذکور برشمرده می­شود، شواهد و قرائن حاکی از آن است که تجربه ایران با موفقیت همراه نبوده است. بی توجهی به بسترهای اولیه و انحراف از فلسفه اصلی ایجاد مناطق آزاد، موجب عدم تحقق اهداف اصلی شده است. باید توجه داشت که هر سیاستی که برای دستیابی به اهدافی مشخص طراحی می گردد و موفقیت هر سیاست با لحاظ میزان تحقق اهداف مورد نظر ارزیابی می­گردد. در صورت عدم تحقق اهداف سیاستی، صِرف پیاده سازی و اجرای یک سیاست، دستاورد به شمار نمی رود و گاه مشکلات و معضلات جدیدی را هم به تنگناهای قبلی می­افزاید. قوانین شفاف و باثبات یکی از اصلی­ترین پیش نیازهای لازم برای موفقیت های اقتصادی در هر جامعه­ای است. شفافیت و ثبات قوانین به عاملین اقتصادی کمک می­کند تا تصمیمات اقتصادی خود را برای بازه­های بلند مدت اتخاذ کنند. در مقابل عدم شفافیت و ثبات در قوانین باعث می­شود تا ریسک سرمایه­گذاری­ها افزایش یافته و در نتیجه سرمایه­گذاران تمایلی به سرمایه­گذاری­های اقتصادی نداشته باشند. در این میان لزوم شفافیت قوانین مناطق آزاد از اهمیت ویژه­ای برخوردار است. زیرا یکی از اهداف اصلی ایجاد مناطق آزاد، جلب سرمایه­های خارجی بوده است. پژوهش حاضر به بررسی نقش موانع قانونی مدیریت سیاسی فضا بر ناکارآمدی مناطق آزاد پرداخت. روش پژوهش به صورت توصیفی ـ تحلیلی بود و یافته های پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه­ای گردآوری شدند و به روش عقلی ـ استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. بر اساس نتایج حاصل از پژوهش عوامل شش گانه ای شامل: 1) تضاد در وظایف سازمان­های دولتی و مدیریت مناطق آزاد؛ 2) عدم تعریف جایگاه مناطق آزاد در برنامه­های توسعه ملی؛3) قوانین و مقررات مرتبط با اشتغال؛ 4) قوانین بانکداری و بیمه در مناطق آزاد؛ 5) قوانین مربوط به سرمایه گذاری خارجی6؛) مسئله عوارض شهری؛ در ناکارآمدی مناطق آزاد ایران نقش داشته­اند.

****

شکل(2) موانع قانونی مدیریت سیاسی فضا مؤثر بر ناکارآمدی مناطق آزاد ایران

منبع(یافته های پژوهش)

**6) پیشنهادات**

با توجه به موانع قانونی موجود در مدیریت سیاسی فضای حاکم بر کشور جهت تعدیل این موانع در جهت کارآمدی مناطق آزاد، پیشنهاداتی به صورت زیر ارائه می گردد:

1) تمرکز زدایی از تصمیمات اقتصادی و تدوین قوانین تجاری در مناطق آزاد، که در تضاد کامل با روندهای اقتصاد بین­المللی نباشند جهت تسریع در افزایش میزان صادرات و واردات کشور از طریق مناطق آزاد، در مقطع کنونی که کشور درگیر تحریم های شدید اقتصادی است.

2) تدوین و تعیین اهداف و چشم اندازهای مناطق آزاد در برنامه های توسعه کشور؛

3) تغییر قوانین مرتبط با اشتغال و افزایش جذابیت آنها در مناطق آزاد نسبت به سزمین اصلی ایران، جهت افزایش مهاجرت جمعیت از نواحی دیگر کشور به مناطق ساحلی از جمله خلیج فارس، جهت افزایش تراکم جمعیت در این سواحل؛

4) تجدیدنظر در قوانینی که در تضاد با مقوله بانکداری بین المللی و جذب سرمایه گذاری خارجی در مناطق آزاد هستند. همانند اصلاحاتی که کشورهای اسلامی بحرین و امارات متحده عربی در زمینه بانکداری، سرمایه گذاری خارجی و بیمه در کشور خود اعمال کرده اند.

5)تعیین حدود اختیارات دولت محلی که همان شهرداری ها هستند با مدیریت مناطق آزاد در جهت جلوگیری از تضاد در وظایف محوله از طرف حکومت مرکزی در مناطق آزاد.

**منابع و مأخذ**

* احمد زاده، بهمن و حیدر لطفی(1396)، تأثیر مناطق آزاد بر تجارت بین المللی؛ مطالعه موردی منطقه آزاد کیش، فصلنامه علمی ـ پژوهشی نگرش های نو در جغرافیای انسانی، سال نهم، شماره دوم.
* حافظ نیا، محمدرضا و همکاران(1389)، سیاست و فضا، چاپ اول، تهران، انتشارات پاپلی.
* خوش چهره، محمد(1377)، مناطق آزاد بدون تدوین راهبرد توسعه نمی توانند موفق عمل کنند، مجله بررسی های بازرگانی، شماره 133، تهران.
* دفتر مطالعات اقتصادی مجلس شورای اسلامی(1390)، بررسی چالش های مناطق آزاد ایران، کد موضوعی گزارش 220، شماره مسلسل 12017، آبان ماه.
* سازمان منطقه ویژة اقتصادی انرژی پارس(1394)، سرمایه گذاری در منطقه ویژه اقتصاد انرزی پارس، ویژگی ها و پتانسیل ها قابل دسترسی در لینک: [www.pseez.ir](http://www.pseez.ir)
* عاصمی پور، محمد جواد(1381)، مجله مناطق آزاد، سال یازدهم
* علمی، محمد(1371)، نگاهی به دستاوردهای مناطق آزاد در کشورهای در حال توسعه، مجله مناطق آزاد، شماره 25.
* کریمی، علی(1387)، مدیریت سیاسی در جوامع چند فرهنگی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی.
* مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی(1390)، بررسی چالش های مناطق آزاد ایران، دفتر مطالعات اقتصادی، شماره مسلسل 12017، کد موضوعی220.
* مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی(1390)، سازمان منطقه آزاد تجاری صنعتی قشم، دفتر مطالعات اقتصادی.
* مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی(1390)، گزارش ارسالی منطقه آزاد ارس، 28/4/1390.
* مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی(1390)، نقد و بررسی سیاست های ناکارآمد در حوزه مناطق آزاد تجاری ـ صنعتی جمهوری اسلامی ایران، سازمان منطقه آزاد چابهار.
* مركز پژوهش­هاي مجلس شورای اسلامی(1395) با نمايندگان مردم در مجلس دهم: مناطق آزاد تجاري-صنعتي و ويژه اقتصادي، دفتر مطالعات اقتصادی.
* مقیمی، محمد(1386)، اداره امور حکومت های محلی، تهران، انتشارات سمت.

**منابع لاتین**

* Ferrazzi, Gabriele,(8888).,international experiences in territorial reform- implications for  
  Indonesia, USAID Democratic Reform Support Program (DRSP). for the Management Group on Territorial Reform.
* Sullivan.A; Sheffrin, Steven M. (2003). Economics: Principles in action. Upper Saddle  
  River, New Jersey 07458: Pearson Prentice Hall. p. 454. ISBN 0-13-063085-3.
* Dobronogov, A. and Farole, T.2012.An Economic Integration Zone for the East African  
  Community: Exploiting regional potential and addressing commitment challenges. Word  
  Bank Policy Research Working Paper 5967. Washington, DC: Word Bank.
* The History and Future of International Trade, )2016( <https://www.wto.org/english/res_e/booksp_e/historywto_e.pd>.

**Investigating the role of legal barriers of political management of space on the inefficiency of Iran's coastal free zone**s

Amin Moradi, Phd Student of Political Geography, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Hadi Aazmi[[2]](#footnote-2), Associate Professor of Political Geography, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Mohammad Hossein Popli Yazdi Professor Emeritus Department of Geography and Rural Planning Tarbiat Modares University of Tehran,Tehran,Iran

Seyed Hadi Zarghani Associate Professor of Political Geography,Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

**Abstract**

A free zone is an area that is outside of the laws and regulations of the mainland countries and has lenient laws, especially in the field of trade and merchants. This is based on the creation of a free zone, different rules are in place in the free zones of the world. In fact, free zones are usually created with lenient trade laws with the aim of attracting foreign investment and increasing the level of trade relations. In Iran, the establishment of free zones as one of the regional and national development factors was considered by the legislators from the first development plan. After several decades, the country's free zones have not been able to appear as expected and achieve the set goals. Several factors have been involved in this path, which are the result of the model of political management of space (simple and centralized) in the country. The present study, which was carried out in a descriptive-analytical way, aims to identify the most important legal obstacles to the political management of space in the country, which have caused the inefficiency of free zones. The present study, which was carried out in a descriptive-analytical way, aims to identify the most important legal obstacles to the political management of space in the country, which have caused the inefficiency of free zones. The results of the research show that the most important legal obstacles to the political management of space, affecting the ineffectiveness of the coastal areas, are the following six factors: 1) conflict in the duties of government organizations and the management of free zones; 2) not defining the position of free zones in national development plans; 3) laws and regulations related to employment; 4) Banking and insurance laws in free zones; 5) laws related to foreign investment; 6) the issue of urban taxes;

**Keywords**: political management of space, free zones, coastal zones, legal challenges, Iran.

1. [aazami@um.ac.ir](mailto:aazami@um.ac.ir) نویسنده مسئول [↑](#footnote-ref-1)
2. [aazami@um.ac.ir](mailto:aazami@um.ac.ir) [↑](#footnote-ref-2)